

طغیان از قضاوت تاریخ

از چندیست مقالات مسلسل در جریده کاروان نشر میگردد، که مراد از آن گریز از قضاوت تاریخ است. درین مقالات که بنام صاحبزاده محمد کریم رییس ضبط احوالات دوره سقاوی نشر میگردد، نویسنده میکوشد که بر سیاهکاریهای سقاویان و مظالم و فحاشیها و قتل و تاراج بچه سقاو و همراهان او پرده یی افکند، تا ضمناً برای خود نیز راه براثت ذمت را صاف کرده باشد. از دوره سقاویان که پر از وحشت و تخریب بود اکنون مدت زیادی نگذشته و زنده هستند کسانی که بچشم سردیده اند، که چگونه استعمارچیان هند این دوره سیاه را بسر مردم مجاهد و آزادیخواه افغانستان آوردند؟

در نتیجه اعمال شوم بچه سقاو همراهان او دزدان و قطاع طرق و خاندانهای ارتجاعی و مزدور اجانب بود، که تمام بنیان زندگانی ملی ما بریاد رفت، اندوخته های ملی از عصر امیر عبدالرحمن خان تا عصر امانیه چپاول گردید، رجال و مغزهای فکور و کاری ما از بین رفت، هزاران جوان و پیر ما کشته گردید، و امنیت و حکومت قانونی در افغانستان باقی نماند.

صاحبزاده صاحب خود اعتراف دارند، که زمام اختیار این گروه دزدان سیه کار، در کف همین خاندان ایشان بود، شیرجان وزیر دربار در حقیقت مدار تمام امور ملکی و محمد صدیق سپه سالار بود، عطاء الحق زمام امور خارجه و همین نویسنده مقالات تمام امور جاسوسی استخبارات را در دست داشت. مردم بیاد دارند که چگونه دختران و زنان معصوم را بزور سر نیزه از خاندانهای ایشان کشیدند و بزور جبر و اکراه ازدواج کردند، که با عتراف خود صاحبزاده صاحب یکی از آنها زهر هم خورد.

اکنون که صاحبزاده سر از قضاوت تاریخ باز زده و میخواهد با نشر این گونه مقالات خود را تبرئه کند، درینجا باید گفت: که قضاوت ملت و تاریخ، آنوقت صادر گردید، که دو برادر صاحبزاده با گروه دزدان و خرابکاران سقاوی یکجا بدار مکافات آویخته شدند، دران روز طبقات عامه مردم افغانستان از حضور سپه سالار غازی محمد نادر خان که کابل را فتح کرده بود خواهش کردند، که آن گروه سیه کار را بجزای اعمال برسانند.

خود صاحبزاده صاحب و تمام مردم افغانستان و حتي مردم دنيا باتفاق، آن دوره را يك دوره سپاه و شوم زندگاني افغانستان دانسته اند، و هم مردم افغانستان و دنيا و اسناد تاريخ ميگويند: كه آن دوره شوم از طرف كاركنان انگليس براي تباهي حكومت امني و بر خلاف شخص مرحوم امان الله خان كه پادشاه مخلص و ترقيخواه و دشمن استعمار انگليس بود، بسعي لارنس و همفري سفير انگليس و شيخ محبوب علي و وايسراي هند بوسيله رجال و خاندانهاي مرتجع افغانستان كه مزدوران اجانب بودند بوجود آمد. ما بچشم خود مي ديديم كه بچه سقاو خودش مردمي نبود كه مدعي سلطنت گردد، و ياطوريكه صاحبزاده خسر وي وانمود کرده، داراي شخصيتي باشد، البته وي دزد دلاور تفنگدستي بود، كه مردم را ميكشت.

ولي دسايس استعماري او را مورد تايد خاندانهاي ارتجاعی متنفذ قرار داد، و اگر همين خاندان خواجه جان صاحبزاده با او همراهي نميکردند، ابدأ و اصلاً دعوي سلطنت کرده نمیتوانست. درينجا بايد از صاحبزاده خسروي بطور يك شكل منطقي پرسيد: آيا حرکت بچه سقاو و همراهان او براي افغانستان مفيد ثابت شد يا مضر؟ جواب اين باتفاق تمام مردم افغانستان و دنيا منفي است، يعني يك حرکت مضر مخالف منافع و ترقیات افغانستان بود.

سوال دوم:

آيا درين اغتشاش و خرابكاري دست كاركنان استعمار انگليس دخیل نبود؟ جواب اين سوال از روي نشرات مستند جرايد و كتب خارجي و هم اسناديکه در آرشیف هاي لندن_ هند_پاکستان_مسکو وغيره موجودند اينست كه لارنس و وايسراي هند و سفير انگليس در کابل و ديگر كارکنان حكومت هند انگليسي دران دست قوي داشتند و موجد اصلي وقايع بوده اند.

سوال سوم:

آيا انگليس استعمارچي هند، براي آوردن چنين روزي بسر افغانستان و اعليحضرت مرحوم امان الله خان، غير از ركود و جمود حرکت ترقی افغانستان و قطع رفتار پيشرفت اين مملکت مطلبی داشت؟ و آيا تمام اين دسايس براي تحكيم و دوام استعمار انگليس بر هند نبود؟ اکنون مي بينيم كه بچه سقاو و همراهان او درين رشته دسايس، يكي از حلقه هاي بوده اند، كه شايد يا مستقيماً مزدوران اجانب باشند، و يا نادانسته در دام تلبیس آمده باشند. اگر ما آن گروه دزدان ناخوان و بيدانش و بصيرت را بسبب بدويت و جهل آنها يك دسته ساده گول خورده و فريفته بشماريم، اشخاص باسواد و عاقل و پرورده در خاندانهاي فرهنگي و اداري و روحاني را نمي توانيم در قطار فريفتگان ساده و جاهل حساب كنيم. اين گروه مردم اگر سهو شده و فریب خورده باشند، خدا خطاهای آنها را عفو کند و از طرف ملت

جزاي خود را دیدند بردار مکافات رفتند. اما اگر بدین کار بنا بر مزدوری اجانب و خدمتگاری استعمار دست برده باشند، البته تاریخ بملاحظه اسناد قضاوت میکند، ولی به هیچ صورتی ازین قضاوت گریز ممکن نیست.

ولی در تاریخ سهوکننده جایی دارد و عامد هم موقعی!
خدا کند صاحبزاده خسروی در قطار اول باشند. ولی یقین کنند که عنقریب تمام اسناد این وقایع شوم، بدست آمدنی و نشر شدنیست.